

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هفته‌نامه مطالعات راهبردی سیبل



مؤسسه مطالعات راهبردی اندیشه‌سازان نور

تنظیم و صفحه‌آرا: مرضیه روشن‌روان

شماره نشریه: 154

تاریخ انتشار: 6 مرداد 1400

تعداد صفحات: 25 صفحه



بررسی ابعاد و پیامدهای استعفای سعد حریری



رویداد

سعد حریری بعد از گذشت ۹ ماه از تاریخ انتصاب به عنوان نخست‌وزیر لبنان از سوی میشل عون، سرانجام در تاریخ ۱۵ جولای (۲۴ تیر) از سمت خود استعفا داد. استعفای وی آن هم در شرایطی که لبنان با شدیدترین بحران اقتصادی در پی کاهش ارزش پول ملی این کشور دست و پنجه نرم می‌کند، آینده سیاسی و اقتصادی لبنان را در هاله‌ای از ابهام قرار می‌دهد که نوشتار پیش رو به بررسی ابعاد و چشم‌انداز این موضوع می‌پردازد.

تحلیل رویداد

بعد از آنکه سعد حریری در آبان ۱۳۹۹ با کسب ۶۵ رأی از پارلمان لبنان، از سوی میشل عون به‌عنوان مأمور تشکیل کابینه معرفی شد، با توجه به اختلافات عمیق وی با جریان میشل عون و به‌طور خاص با جبران باسیل، گمانه‌زنی‌های مختلفی در ارتباط با فرآیند تشکیل کابینه، مطرح شد و اینکه این بار نیز روند تشکیل کابینه با وجود اختلافات دو طرف، طولانی مدت خواهد بود و چه بسا در نهایت منجر به استعفای سعد حریری شود.

سعد حریری از همان ابتدا، پیشنهاد تشکیل دولت تکنوکرات غیرحزبی را مطرح کرد و در واقع سعی نمود تا بدون در نظر گرفتن موقعیت، جایگاه و وزن احزاب و جریان‌های سیاسی در داخل پارلمان لبنان، به‌خصوص جریان منتسب به میشل عون، و سهم هر یک از جریان‌ها در داخل دولت، به سمت تشکیل دولت تکنوکرات غیرحزبی پیش رود. این مسئله زمینه را برای بروز اختلاف میان حریری و میشل عون فراهم ساخت.

لذا از همان ابتدا، سعد حریری در تشکیل کابینه تکنوکرات با مانع سخت و محکم مسیحی‌ها و به‌طور خاص جریان ملی آزاد و شخص میشل عون مواجه شد و به‌رغم آنکه جلسات متعددی میان دو طرف در جهت حل مسئله کابینه برگزار شد، اما هیچ‌گاه این جلسات و گفتگوها ثمربخش نبود. در واقع، جریان آزاد ملی با توجه به وزن و جایگاهی که در داخل پارلمان از آن برخوردار است، به هیچ وجه حاضر به عقب‌نشینی از حق خود نبود.

بر همین اساس، تشدید اختلاف‌ها میان حریری و عون و پافشاری حریری در تشکیل کابینه



تکنوکرات غیرحزبی که به‌طور مستقیم منافع جریان وابسته به میشل عون را تحت تأثیر قرار می‌داد، زمینه را برای عدم تشکیل کابینه و به‌موجب آن، شکل‌گیری انسداد سیاسی در لبنان فراهم ساخت. سعد حریری یک روز پیش اعلام استعفای خود در روز پنج‌شنبه ۲۴ تیر، به‌کاخ ریاست جمهوری رفته و فهرست کابینه پیشنهادی خود را به رئیس‌جمهور ارائه کرده بود. لیست ارائه شده از سوی سعد حریری با لیست‌های پیشین وی که طی بازه‌های زمانی مختلف از زمان انتصاب به‌عنوان نخست‌وزیر به میشل عون ارائه شده بود، تفاوت چندانی نمی‌کرد. این بار نیز سعد حریری بدون در نظر گرفتن ملاحظات جریان‌های حائز اکثریت کرسی‌ها در پارلمان، همچون جریان ملی آزاد و حزب‌الله، لیستی از افراد ناشناس را به رئیس‌جمهور ارائه کرد که در نهایت با مخالفت میشل عون مواجه شد.

در همین راستا، حریری چهارشنبه کابینه تکنوکراتی متشکل از ۲۴ وزیر را معرفی و تأکید کرد که بر اساس طرح ابتکاری فرانسه، تکنوکرات و غیرحزبی است، اما جریان رقیب، این ترکیب را به معنای حذف خود از قدرت دانست؛ چرا که وی دو وزارت، خارجه و دفاع را به دو مسیحی مارونی و ارتدوکس واگذار کرده که مورد پسند جریان آزاد ملی به ریاست جبران باسیل، داماد میشل عون، نبوده و پست وزارت کشور را که در کابینه پیشنهادی اول در ۸ ماه قبل به درخواست عون به یک مسیحی ارتدوکس داده بود، در چینش جدید به یک فرد سنی واگذار کرده بود.

در واقع، حریری درحالی که می‌دانست لیست وی مغایر با مواضع تیم ریاست جمهوری است، آن را تحویل میشل عون داد و تنها چند ساعت به او برای اعلام نظرش در این زمینه مهلت داد. منابع لبنانی این امر را غیر عادی و در راستای همان تصمیم نخست‌وزیر مکلف برای استعفا دانستند؛ اتفاقی که سرانجام روز پنجشنبه ۱۵ ژوئیه رخ داد و حریری بعد از دیدار با میشل عون به‌صورت رسمی استعفای خود را اعلام کرد.

استعفای سعد حریری در شرایطی رخ داد که پیشتر «نبیه بری»، رئیس پارلمان لبنان، ابتکاری برای تشکیل کابینه مطرح و حمایت تمام عیار خود از سعد حریری برای نخست‌وزیر آینده را جهت جلوگیری از پیچیده‌تر شدن بن‌بست سیاسی و در نهایت فروپاشی کشور اعلام کرده بود، اما سعد حریری به علت فشارهای خارجی از سوی آمریکا و سعودی، و در نظر گرفتن منافع حداکثری جریان مستقبل و عدم اهتمام به موقعیت، جایگاه و وزن احزاب و جریان‌های سیاسی در داخل پارلمان و سهم هر یک از این جریان‌ها در داخل کابینه دولت و گرایش به سمت تشکیل دولت تکنوکرات غیرحزبی و به تبع آن، مخالف حداکثری میشل عون، به سمت استعفا گام برداشت.



نتیجه‌گیری

بعد از آنکه سعد حریری در پی فشارهای خارجی از سوی ریاض و واشنگتن سعی نمود که در معرفی اسامی کابینه پیشنهادی خود به میشل عون، ملاحظات جریان‌های دارای وزن در پارلمان، مانند جریان ملی آزاد، را نادیده گرفته و به سمت تشکیل دولت تکنوکرات غیرحزبی طبق طرح ابتکاری فرانسه گام بردارد، زمینه برای ایجاد انسداد سیاسی در لبنان و عدم تشکیل کابینه و در نهایت استعفای وی از نخست‌وزیری فراهم شد. استعفای سعد حریری در شرایطی مطرح شد که لبنان تحت تحریم‌های شدید منطقه‌ای و بین‌المللی قرار گرفته و کشورهای عربی، به خصوص سعودی، کمک‌های مالی خود به این کشور را که تا پیش از آن در چارچوب تزریق ارز به اقتصاد لبنان صورت می‌گرفت، قطع کرده‌اند. آمریکا و اروپا نیز ارائه هرگونه کمک، به خصوص از سوی صندوق بین‌المللی پول را منوط به پیشبرد پرونده سیاسی و تشکیل دولت تکنوکرات در این کشور کرده‌اند.

در حال حاضر گمانه‌زنی‌های مختلفی در خصوص آینده سیاسی لبنان بعد از استعفای سعد حریری مطرح می‌شود، اما قوی‌ترین احتمال بیانگر معرفی شخصیت دیگری از سوی سعد حریری برای به عهده گرفتن منصب نخست‌وزیری می‌باشد که در این بین نام «نجیب میقاتی» و «تمام سلام» مطرح می‌شود که احتمال معرفی میقاتی به مراتب بیش از تمام سلام است.

بازتاب خروج اشغالگران ناتو از خاک افغانستان در رسانه‌های این کشور



رویداد

آنچه که دولت ترامپ در آتش‌بس با طالبان بدان متعهد شده بود خروج نیروهای این کشور از افغانستان تا اردیبهشت ۱۴۰۰ بود. دولت بایدن پس از چند ماهی معلق نگه داشتن موضوع، در نهایت پذیرفت که به این تعهد با تأخیری چند ماهه در شهریور ۱۴۰۰ عمل کند. در پی این مسأله، دیگر اعضای ناتو نیز با سرعت روی به خروج نیروهای خود از افغانستان آورده و جهانیان شاهد تخلیه پایگاه‌ها و خروج سریع ناتو به عنوان رکن اصلی نیروهای موسوم به ائتلاف (آیساف) از خاک افغانستان هستند. این خروج به انحاء مختلفی در رسانه‌های جهان، منطقه و افغانستان انعکاس یافته است. در این یادداشت به بازتاب این خروج و در واقع اخراج در رسانه‌های افغانستان می‌پردازیم.

تحلیل رویداد

خروج آمریکایی‌ها و دیگر اعضای ناتو از افغانستان در فضای و بسایتهای بسیار مهم جهانی و انگلیسی زبان بازتاب خاصی داشته است؛ به نحوی که ما در میان آنها شاهد بارها و بارها تصریح و تأکید بر کلیدواژه «شکست» هستیم. («شکست» آمریکا در افغانستان در نشریات مهم انگلیسی زبان در حوزه روابط بین‌الملل مانند فارین افرز مورد تصریح قرار گرفته است که بایستی در مقاله‌ای جداگانه به آن پرداخت.)

در سطح منطقه، رسانه‌های ایران و پاکستان به طرق مختلف به این مسأله پرداخته‌اند. اما در هر دو کشور عقبه اعتقادی و سیاسی گروه‌ها در صف‌بندی رسانه‌ای اثرگذار بوده است. در هر دو کشور کسانی که بیشتر تمایل به غرب دارند، از خروج آمریکا گله کرده و به نوعی خواهان بازگشت ایالات متحده به افغانستان هستند. ولی در طیف‌های منتقد نسبت به نظم موجود جهانی، شاهد این هستیم که بیشتر تأکید بر اصل خروج خفت‌بار آمریکا از منطقه و مبارک بودن این امر است. در خود افغانستان سه خط کلی قابل ملاحظه است. طالبان و فاطمیون دو گروه اصلی هستند که به صراحت از اخراج آمریکا به شکلی بسیار مثبت یاد کرده‌اند. برخی سایت‌ها و رسانه‌ها موضعی میانه داشته و نهایتاً در اردوگاه غرب‌گرایی و رسانه‌های وابسته به دولت مرکزی افغانستان معمولاً نکات منفی این خروج و به نوعی درخواست برای بازگشت آمریکایی‌ها مشاهده می‌شود.



۱. طالبان و رسانه‌هایش (الاماره، مجله حقیقت و مجله شهامت و ...): وبسایت الاماره در مقالات مستقلی یا مقالاتی که از مجلات طالبان (حقیقت و شهامت) بازنشر کرده به این موضوع پرداخته است که برای فهم نگاه طالبان، نه مقاله مهمتر را به اجمال بررسی میکنیم:

الف) بر حذر باش ای فاتح

این مقاله به قلم احمد فارسی است و به صورت خلاصه دید طالبان نسبت به مسأله را نشان می‌دهد:

«مژده و نوید فتح در عقب دروازه‌ها در انتظار ورود به منزل است و ان شاءالله عن قریب چشمان ملت مظلوم و مردم رنج‌دیده که از دو دهه به این سو در آتش جنگ و اشغال از یکسو و ظلم و ستم اجیران داخلی از سوی دیگر می‌سوزند، روشن می‌شود و پرچم آزادی بر قله‌های این کشور به اهتزاز در آمده و ریشه‌های فساد از بین خواهد رفت. اشغالگران می‌روند و اجیران داخلی آنان نیز بنا بر خیانت، دزدی و چپاولگری‌ای که در کشور کردند دیگر جای پای در این دیار ندارند.»

نویسنده در این مقاله اعضای طالبان را مورد خطاب قرار داده و ضمن خرسندی از پیروزی علیه آمریکا آنان را از غرور و هوای نفس پرهیز داده است.

ب) جنگ بیست ساله؛ هزینه‌هایی که سودی نداشت

به قلم حبیبی سمنگانی است و شرحی از بیست سال گذشته از نگاه طالبان را ارائه کرده است:

«با اعلان جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا، که حضور بیست ساله نظامی آمریکا در افغانستان را تا ۱۱ ماه سپتامبر امسال بدون هیچگونه پیش شرطی پایان می‌بخشد؛ اکنون دستاوردها و هزینه‌های این جنگ درازمدت، موضوع محوری بحث‌ها در رسانه‌های خبری و اجتماعی قرار گرفته است. بلی، اکنون حرف از این گذشته است که برنده و بازنده این جنگ کیست و یا این جنگ چه دستاوردهایی داشته و یا آیا دستاوردی هم داشته یا خیر؟ ... نهادهای مختلف آمار و ارقام مختلفی را در مورد هزینه‌های سنگین جانی و مالی آمریکا ارائه می‌کنند؛ اما آنچه همه بر آن متفق‌اند و یا نگرانی جدی دارند، اینست که با این همه هزینه‌ها، اداره‌ای در افغانستان به وجود نیامده که دست‌کم برای چند ماه بتواند بدون کمک‌های آمریکا وجود خود را حفظ کند...»

با پایان جنگ بیست ساله، نه تنها خودشان از این کشور رخت می‌بندند، بلکه باید آن‌عهده افغان‌هایی را که با این‌ها در این دو دهه به عناوین مختلف و به خصوص در پایگاه‌های نظامی همکاری می‌کردند، هم با خود ببرند. این بدین معناست که با همه جستجو و تکاپوی غربی‌ها، باز هم افغانستان به خانه امن برای گماشتگان اشغالگران





تبدیل نشده است و آنها ناگزیر شده‌اند تا با دار و دسته‌شان این کشور استعمارستیز را ترک کنند...

اکنون در حقیقت فرصت خوبی برای آمدن صلح در افغانستان است و باید به‌جای درنگ کردن روی آن، گام‌های بعدی و جدی‌تری برای بقیه مسائل به‌خصوص به‌میان آمدن نظام مستقل و همه‌شمول اسلامی در افغانستان که نقطه وصل بین تمام ملت مسلمان این کشور است، برداشته شود...

اما عجب این است دموکراتان و سیکولارانی که بیست سال پیش از هجوم وحشیانه امریکا و ناتو با تمام وقاحت استقبال می‌کردند، امروز می‌پرسند آیا خروج امریکا و ناتو از افغانستان مسئولانه است؟ عجب است! وقتی که امریکا و ناتو به خواست شما چند تن خودفروختگان و فراریان با تانک و توپ آمدند و افغانستان را اشغال کردند، آن مسئولانه بود؛ اما حالا که پس از دیدن شکست و از روی توافق با افغان‌ها پس می‌روند، این غیرمسئولانه است!»

(پ) پرچم آمریکا از فراز بگرام تا زیر پا

«سبحان‌الله! آمریکا با چه قدرت موشکی و بمب‌افکنی و هوش مصنوعی نظامی بالایی بر ما یورش آورد که شاید هیچ‌کس گمان نمی‌کرد که مجاهدان دوباره در این خطه سر بلند کنند. اما تاریخ به گونه‌ای دیگر رقم خورد. تمام معادلات و برنامه‌های مهندسان نظامی آمریکا به هم خورد؛ زمان‌بندی‌شان اشتباه از آب درآمد و اینجا بود که بازهم تاریخ‌نگار، افغانستان را «قبرستان امپراطوری‌ها» نامید... برای اولین بار، قبرستان تانک‌های شوروی سابق را در محوطه قومندانی ولایت نیمروز مشاهده کردم؛ چشمانم خیره شد. نیمروز که در یک گوشه‌ای از افغانستان واقع شده است، چنین قبرستان وسیعی از تانک‌های شوروی دارد، پس حال و روز سایر ولایات افغانستان چگونه است! تو خود قیاس کن از گلستان من بهار مرا.»

(ت) تکرار تاریخ بنونضیر در بگرام و دیگر پایگاه‌ها

«حتی دبدبه و جسارت این نیروهای اشغال‌گر به این اندازه بود که یکی از دوستانم چند سال در بگرام زندانی بود، برایم تعریف کرد: وقتی در بگرام زندانی بودم، در روی دیواری این جمله را دیدم (We never defeat) یعنی «ما هرگز شکست نمی‌خوریم» که آمریکایی‌ها نوشته بودند. اکنون آمریکایی‌ها با تمام ذلت، شکست را قبول کرده در حال بیرون شدن از کشور است... هوَ الَّذِي أُخْرِجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ



لَاوُلِ الْحَشْرِ...

ث) از یک پدر هستیم؛ بیا به آغوشم (خطاب به نظامیان افغان)

«بیا به آغوشم؛ دبدبه استعمار به پایانش رسید. بیا تا دیر نشده است؛ دست در دست هم بدهیم و در آبادانی این مرزوبوم بکوشیم. بیا و صف خود را از خائنان جدا کن... آن‌ها با اشغال آمدند و با اشغال می‌روند. آنها هیچ‌گاه نمی‌خواهند تا این خاک از ظلمت اشغال بیرون آید و مستقل گردد؛ بلکه آنان پرورش‌یافتگانی از بیرون بودند که بر ما تحمیل شدند... بیا که آغوشم برای تو باز است و گل‌های آزادی و رهایی از یوغ اشغالگران، در دستانت منتظر توست.»

ج) فتح عظیم و آزمون بزرگ

«پیروزی شکوهمندی را که به فضل و نصرت الله عزوجل در مقابل اشغالگران به دست آوردیم، نتیجه سعی، تلاش و قربانی‌های بی‌دریغ گلگون کفنان بود که در سخت‌ترین شرایط و در دشوارترین حالات سینه برای مقابله زدند، نهراسیدند، معامله نکردند و برای به اهتزاز درآوردن درفش توحید در خون خود تپیدند.»

چ) مجاهد بزرگ فراموش نشود

«مجاهد بزرگ! مرد درد دیده میهن! فتح و پیروزی بزرگ که همانا شکست سومین امپراطوری جهان (امریکا) در افغانستان است را برایت مبارک و تهنیت باد می‌گویم. اما فراموشات نشود که این فتح و آزادی به سهل به دست نیامده است... مجاهد بزرگ! یادت نرود که ملت ما درد دیده‌اند و به شفقت و مرحمت نیاز دارند. هیئات که از دره کینه و کدورت داخل شوی... فراموش نشود که هدف اصلی جنگ بیست ساله در کشور همانا حاکمیت قرآن بوده؛ نه انتقام‌جویی یا جاه‌طلبی یا به دست آوردن غنائم. اسلام همه این‌ها را محکوم می‌کند و می‌گوید سلاح بدست گرفتن و به جهاد پرداختن فقط باید در راه الله باشد و برای تنفیذ قوانین الهی، دفاع از حق و ریشه کن ساختن ظلم و فساد.»

ح) فارغ از قومیت‌ها برای افغانستان اسلامی

در افغانستان قومیت‌های مختلف با نظریات مختلف فقهی وجود دارند، اما آنچه مطرح





است، آبادی افغانستان، زیر پرچم و سایه حکومت اسلامی می باشد و در این مسیر هر کسی گام بر دارد، مطمئنا امارت اسلامی افغانستان از او استقبال خواهد کرد.»



با اخراج آمریکا از افغانستان، طالبان در رسانه های خود دست کم در مقام سخن، اقوام گوناگون کشور را به اتحاد برای آرمان افغانستان اسلامی دعوت می کند که باید این دعوت را جداگانه در مقام عمل سنجید و نمره داد.

خ) در بهار آزادی جای شهدا خالی

عنوان این مقاله از این جهت جالب توجه است که شدت درهم تنیدگی گفتمانهای رایج در دو کشور ایران و افغانستان را نشان می دهد.

«شهدای میادین جهاد! ای اسوه های راه آزادی و مردانگی... جاپتان در این فتوحات و در این عید مبارک خالی ست.»

۲. فاطمیون: فاطمیون در بیانیه بسیار خوبی خروج آمریکا را دستاورد مردم مسلمان افغانستان دانسته و با اتخاذ موضعی خوب برنامه دشمنان برای ایجاد جنگ شیعه - سنی در افغانستان را تا حد زیادی خنثی کردند.

در ۳۰ تیر ۱۴۰۰ بیانیه ای بسیار هوشمندانه و وحدت آفرین از سوی فاطمیون صادر شد:

«تحولات اخیر در جهان اسلام و کشورهای مسلمان منطقه بی شک یکی از تاریخی ترین دوران ها را بر ملت های مسلمان رقم زده است که صبر، تأمل، تحمل، ژرف اندیشی و بصیرت مؤمنانه تمام مسلمین جهان در این برهه تاریخی، می تواند صحنه ای جدید را در عرصه برهم زدن نظم لیبرالی جهانی پدید آورد و مستکبرین عالم را ذلیل تر از همه تاریخ به زانو بنشانند...»





در این بین تحولات بیست ساله افغانستان قطعاً نقطه عطفی جدید بر افول و ذلت استکبار جهانی خواهد بود و مقاومت دو دهه‌ای مردم مظلوم کشورمان نتیجه‌ای الهی و برخاسته از ذات اقدس احدیت جهت پیروزی مستضعفان عالم و شکست و تباهی مستکبران جهان را در پی خواهد داد... شکست آمریکا در افغانستان و خروج مفتضحانه و ذلیلانه استکبار جهانی و حامیان غربی او از کشور، قطعاً و یقیناً دل تمام مسلمانان از جمله مردم مسلمان افغانستان را شاد کرده است. این شکست سنگین حاصل مقاومت داخلی و خارجی تمام مردم مسلمان افغانستان بوده و پایان اشغال افغانستان جشنی ملی و مردمی خواهد بود.»

الف) آوایرس: این سایت که سایت شیعی و انقلابی است ضمن بیان خوشحالی از شکست آمریکا، نگرانی‌هایی از وضعیت پساآمریکایی و چگونگی رفتار طالبان را بازتاب داده است. ضمناً نسبت به برنامه ترکیه ابراز نگرانی کرده است.

ب) جمهور: این سایت در مقاله «افغانستان غم‌انگیز، میراث امریکا» با نگاهی بدبینانه میگوید که «مرگ، فروپاشی، فاجعه، آوارگی‌های دسته جمعی، فقر فراگیر، بیماری‌های در حال گسترش و آینده تیره و تاری که هیچ آمیدی به آن وجود ندارد. این میراث امریکا است و احتمالاً ده‌ها سال دیگر ادامه خواهد یافت.»

پ) افغان ایرکا: این سایت در دو مقاله «هزاره‌ها باید با حکومت اشرف غنی احمدزی خداحافظی و با طالبان وارد مذاکره شوند» و «نتیجه اصلی و نهایی خیزش‌های مردمی باید نه به ارگی‌ها و نه به طالب‌ها باشد» ضمن ابراز نگرانی از نحوه خروج آمریکا ناامیدی از دولت غنی را نیز تبیین می‌کند.

ت) حزب التحریر ولایت افغانستان: رسانه وابسته به حزب التحریر (حزبی با فعالیتهای مشکوک در افغانستان) نکات مهمی را بیان کرده است: «با شناختی که از تاریخ امریکا در جهان وجود دارد اگر اندکی از شعور سیاسی کار گرفته شود، بیست سال حضور نظامی امریکا در افغانستان و سرنوشتی که اکنون مردم با آن مواجه‌اند، اعتماد به امریکا در واقع اعتماد به شیطان و اعتماد بر تداوم بحران است. با وجود این هنوز هم دیده می‌شود که اعتماد و امید به امریکا در میان قشر سیاسی زیاد است. چنانچه با وجود بحران و ناامیدی از آینده سیاسی، هنوز هم رهبران حکومت و حتی بسیاری از رهبران سیاسی آرزوی دستگیری امریکا را دارند. چرا قدرت چشمان برخی‌ها را به این اندازه نابینا می‌سازد؟»

ج) آریانا نیوز: بازتاب‌دهنده نگاه دولت غنی و تمجیدکننده او. این سایت به نامشروع بودن جنگ پس از خروج آمریکا اشاره کرده و میگوید: «رئیس‌جمهور غنی و سرقوماندان اعلی‌ قوای مسلح





ضمن بازدید از قول اردوی عملیات‌های خاص، گفت که جنگ طالبان مشروعیت دینی و ملی ندارد...»

ج) روزنامه افغانستان ما: مبتنی بر نگاه‌های غرب‌گرایان افغانستان به مسأله و در واقع خواهش از آمریکا برای بازگشت به افغانستان.

ح) طلوع نیوز: مبتنی بر نگاه غرب‌گرایان؛ اما اشاره‌ای جالب توجه به پروژه خطرناک آمریکا: «امریکا می‌رود، داعش می‌ماند». در حال حاضر که طالبان با آمریکا به توافق صلح دست یافته و از مشروعیت نسبی سیاسی برخوردار گشته‌اند، هیچ بهانه دیگری جز داعش برای حفاظت از منافع استراتژیک و اهداف هژمونیک واشنگتن در آسیا و افغانستان وجود ندارد. با توجه به این واقعیت‌ها تقویت داعش و گسترش نیروی زیرزمینی آن پس از صلح آمریکا با افغانستان در دستور کار استراتژیست‌های پنتاگون و سازمان‌های جاسوسی آمریکا قرار دارد.

خ) هشت صبح: نگاه غرب‌گرایان و خواهش از آمریکا برای ماندن در مقاله «افغانستان پسا امریکا»: «گمان غالب این است که آمریکا برای اشراف و نفوذ بر کشورهای منطقه به ویژه ایران، چین و روسیه و استفاده از منابع سرشار طبیعی و موقعیت سوق‌الجیشی افغانستان، این کشور را ترک نخواهد کرد».

د) انیس: نگاه رسمی دولت و استقبال از بازگشت غربی‌ها: «وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی افغانستان از صحبت‌های نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه استرالیا مبنی بر بازنگری تصمیم آن کشور جهت احیای حضور دایمی دیپلماتیک استرالیا در کابل، استقبال می‌نماید.»

ذ) صفحه اینستاگرامی هزارستان نیوز: نگاه پان مغول‌یستهای هزاره، به شدت ضدنمادهای اسلامی، ضدایران و ضدفاطمیون و تأکید بر اینکه پس از خروج آمریکا تنها راه درست، تجزیه افغانستان است.
ر) افغان پیپر: تأکید بر نقش مخرب همسایگان علی‌الخصوص ایران در فضای پساآمریکایی به ویژه در مقاله «همسایه‌های ما قابل اعتماد نیستند».

ز) انستیتو مطالعات استراتژیک افغانستان (وابسته به وزارت خارجه آن کشور): طرفدار ایجاد حکومت نظامی در افغانستان پساآمریکایی، تبیین شده در نشست «حکومت نظامی: نیازسنجی، فرصت‌ها، چالش‌ها». این برنامه با حضور جنرال ظاهر عظیمی، کارشناس مسائل نظامی، جنرال هلال‌الدین هلال، معاون پیشین امنیتی وزارت امور داخله، اسدالله سعادت، معاون سیاسی شورای عالی مصالحه ملی و منیره یوسف‌زاده، معاون پیشین وزارت دفاع ملی همراه بود. گرداندگی این برنامه را فردوس کاوش، روزنامه‌نگار به عهده داشت.

ژ) مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی: در مقاله‌ای دلسوزانه با عنوان «په افغان قضیه کې د ښکېلو لورو





دریخونه او د اتفاق او اختلاف ټکي»^۱ میگوید که هنوز این نگرانی وجود دارد که ممکن است طرف‌های درگیر در تلاش برای به دست آوردن یا حفظ قدرت با زور باشند. تجربه گذشته نشان داده است که انحصار قدرت با زور برای یک طرف امکان‌پذیر نیست. ذینفعان و سایر احزاب سیاسی باید بدانند که در وهله اول، به ویژه در یک کنفرانس و دو کنفرانس، دستیابی به توافق کامل در مورد همه موضوعات بحث برانگیز، به ویژه در مورد جزئیات و ارزش‌ها امکان‌پذیر نیست. پس باید فعالاً تمرکز روی آتش‌بس باشد.

نتیجه‌گیری

در رسانه‌های افغانستان شاهد سه نوع نگرش به خروج آمریکایی‌ها هستیم. ابراز شادی و امید نسبت به آینده که طالبان و فاطمیون این نگاه را نمایندگی میکنند. نگاه میانه‌رو و تا حدی خنثی که شامل رسانه‌های منتقد دولت اما با حضور رسمی در قلمرو دولت افغانستان می‌شود و نگاه بدبینانه که عمدتاً خواهان بازگشت آمریکا به افغانستان است که رسانه‌های غرب‌گرای افغانستان آن را نمایندگی می‌کنند.

اما در کل در همه رسانه‌ها، چه ضد دولت و چه طرفدار دولت شاهد گله از آمریکا و گسترش روحیه ضد آمریکایی در میان همه طیف‌های افغانستان هستیم. به این معنا که حتی غرب‌گرایان نیز آمریکا را به خاطر رها کردن این طیف مورد نکوهش قرار داده‌اند.



تأثیر پیشروی‌های طالبان بر تاجیکستان و ترکمنستان



رویداد

تحولات افغانستان بیانگر قدرت گیری و تسلط مجدد طالبان بر جغرافیای افغانستان است و آنگونه که از بررسی تحولات صحنه داخلی افغانستان بر می آید دولت آینده افغانستان متفاوت از دولت کنونی و با محوریت طالبان شکل خواهد گرفت. این تغییرات مهم در افغانستان تأثیرات مهمی بر روابط این کشور با همسایگانش خواهد گذاشت. در این میان دو کشور تاجیکستان و ترکمنستان به عنوان همسایگان شمالی این کشور بی تأثیر از این تحولات نخواهند بود. بر همین اساس در این نوشتار کوتاه به بررسی تأثیر پیشروی‌ها و قدرت گیری طالبان بر این دو کشور می پردازیم.

تحلیل رویداد

در ارتباط با روابط افغانستان و تاجیکستان مولفه هایی وجود دارد که روابط دو کشور از آن متأثر می شوند. تامین امنیت مرز با افغانستان و مساله ورود فزاینده مواد مخدر به تاجیکستان تهدیدی برای تاجیکستان و کشورهای آسیای مرکزی است. امنیت ملی جمهوری تاجیکستان به میزان قابل توجهی با امنیت و ثبات در کشورهای منطقه و به ویژه افغانستان گره خورده است. لذا مساله تامین امنیت و ثبات در افغانستان، از اولویت های سیاست خارجی تاجیکستان است.

از طرفی نگرانی از حضور طالبان و حرکت اسلامی ازبکستان در شمال افغانستان و اخیرا داعش و تهدیدهای ناشی از آن برای آسیای مرکزی در سیاست ها و راهبردهای دوشنبه به مساله امنیت مرزهای افغانستان با تاجیکستان موثر است. چنانچه در ماه های اخیر کشورهای آسیای مرکزی از جمله تاجیکستان از ناحیه ناامنی در بدخشان و قندوز نگران هستند و گزارش هایی وجود دارد که جنگجویان سازمان های افراطی مخالف کشورهای آسیای میانه، در نبردهای قندوز و بدخشان حضور دارند. در این راستا علاوه بر تاجیکستان، روسیه نیز نگران اوضاع امنیتی در شمال افغانستان است؛ این امر ایجاب می کند که همکاری های امنیتی میان افغانستان و جمهوری های آسیای مرکزی از جمله تاجیکستان بیشتر شود. اخیرا «ضمیمه کابلوف»، معاون وزیر خارجه روسیه که نماینده ویژه کرملین در مسائل افغانستان است گفته بود که طالبان قول داده به مرزهای افغانستان با همسایه های این کشور در آسیای مرکزی احترام بگذرد. بنابراین مبارزه با تروریسم جزو



موارد مهم همکاری های دو کشور است. تاجیکستان مقداری از برق تولیدی خود را به افغانستان صادر می کند و افغانستان نیز به عنوان خریدار اصلی برق تاجیکستان مطرح است.

لذا اگر طالبان نیز در آینده قدرت را در افغانستان بدست گیرد ناچار از توجه به آنهاست. در گذشته در زمان سیطره طالبان بر بخش عمده افغانستان، تاجیکستان از حکومت «برهان‌الدین ربانی» حمایت همه‌جانبه کرد و پس از سقوط طالبان نیز این روابط همچنان با حسن نیت بیشتر از سوی تاجیکستان دنبال شد. در وضعیت فعلی طالبان گذرگاه اصلی مرزی افغانستان و تاجیکستان را تصرف کرده است. تصرف بندر شیر خان در فاصله ۵۰ کیلومتری در شمال شهر قندوز یکی از مهمترین مناطق تحت کنترل طالبان به شمار می رود. چرا که پل ۷۰۰ متری و ۳۷ میلیون دلاری این منطقه در سال ۲۰۰۷ با اعتبارات دولت آمریکا تکمیل شد، در این منطقه قرار دارد. اکنون طالبان از این پل برای اعمال تعرفه های غیررسمی و تامین مالی عملیات خود استفاده می کند. در حالی که گروه طالبان افغانستان کنترل مرز با تاجیکستان را در دست گرفته است، مقامات تاجیک لحن خود را نسبت به طالبان تغییر داده و این گروه نیز اطمینان داده است که حق حاکمیت تاجیکستان را محترم می شمارد.

موضع رسمی تاجیکستان درباره طالبان چندان روشن نیست. گفته می شود که سرویس های امنیتی تاجیکستان در حال گفت وگوهای پنهان با عناصر مختلف در داخل افغانستان هستند. اما اعلامیه های عمومی تا حدی سرنخ هایی درباره موضع کلی دولت نشان می دهد. در رسانه های دولتی تاجیکستان دیگر درباره طالبان با تحقیر صحبت نمی شود. کمیته دولتی امنیت ملی تاجیکستان به آرامی توصیفات خود درباره تروریستی بودن گروه طالبان را کنار گذاشته و اخیراً از عبارت خنثی تر "گروه مسلح" استفاده می کند. طالبان نیز بطور متقابل درصدد دادن اطمینان به دولت دوشنبه مبنی بر احترام به حق حاکمیت تاجیکستان بوده است. در گذشته نیز طالبان در واکنش به مناقشات تاجیکستان و قرقیزستان در بیانیه ای نوشت: امارت اسلامی بر هر دو کشور اسلامی و برادر می خواهد که تلاش کنید مشکلات خود را از راه گفت وگو حل نمایید. در این بیانیه آمده است: ما بیش از همه، تجربه عملی در مورد زیان های جنگ را داریم؛ آغاز جنگ شاید آسان بنظر برسد، اما جریان عملی جنگ و عواقب و زیان های باقیمانده از آن به مراتب بیشتر از آن است که هر دو جهت در صورت تفاهم متحمل می شوند.

با توجه به موارد گفته شده به نظر می رسد نگرانی اصلی تاجیکستان از امنیت مرزها، قاچاق موارد مخدر و از همه مهمتر حضور نیروهای افراطی در نزدیکی مرزهای این کشور و تأثیرپذیری ملت تاجیکستان و برخی جریانهای اسلامگرا از این گروهها است. بر همین اساس تاجیکستان تلاش کرده در موضع گیری های اخیر خود لحن ملایم تری نسبت به طالبان اتخاذ کند و به نظر می رسد طالبان نیز





تلاش خواهد کرد اطمینان لازم را نسبت به نگرانی های تاجیکستان بدهد. از سوی دیگر چون تاجیکستان جز حوزه نفوذ و اقماری گذشته روسیه محسوب می شود لذا به نظر می رسد روسیه نیز در مذاکرات با طالبان، تضمین های لازم در ارتباط با نگرانی های این کشورها گرفته باشد. روسیه در هفته های اخیر به تاجیکستان اطمینان داده که برای مقابله با تهدیدهای امنیتی از افغانستان، به این کشور کمک می کند و برای تقویت ساختار مرزبانی آن در مرز با افغانستان کمک خواهد کرد.

در ارتباط با روابط دو کشور افغانستان و ترکمنستان باید گفت، ترکمنستان به دلیل داشتن منابع غنی گازی و نفتی که بالفعل در بازارهای جهانی قابل عرضه است و هم چنین به دلیل داشتن منابع غنی انرژی برق برای افغانستان از اهمیت فوق العاده برخوردار است.

ترکمنستان پنجمین کشور مالک منابع گاز طبیعی در جهان است که در مرحله طلایی استفاده از این منبع غنی قرار دارد. این کشور در رتبه چهارم کشورهای تولید کننده گاز طبیعی و هم چنین در رتبه چهارم کشورهای تولید کننده نفت شوروی سابق قرار دارد. ترکمنستان تنها کشوری در جهان است که منابع گازی و نفتی در سراسر خاک آن وجود دارد و هرگز منحصر در سرزمین آبی این کشور در دریای خزر نیست. این کشور هم چنین یکی از بزرگ ترین تولیدکنندگان پنبه در جهان است که همواره نیازمند راه هایی برای صدور این محصول است.

هم چنین این کشور یکی از کشورهایی است که بالاترین تولید انرژی برق از محصولات تجدید ناپذیر را دارد و این مساله می تواند برای افغانستان در سال های آینده به دلیل نزدیکی مسیرهای واردات برق یک فرصت باشد.

این نکته مهم قابل یادآوری است که ظرفیت اقتصادی ترکمنستان تنها در وجود منابع انرژی در این کشور نیست. ترکمنستان، که یک کشور سرشار از منابع گاز است، به دنبال تضمین های امنیتی برای پروژه های بزرگی است که ترکمنستان و افغانستان و منطقه را به یکدیگر متصل می کند. بلکه ظرفیت ترانزیتی و بازرگانی این کشور بیش از هر امر دیگر برای منطقه و افغانستان حیاتی تر است. ترکمنستان یکی از مهم ترین کشورهایی است که در مسیر راه ابریشم قرار دارد و طرح های کلان بین المللی چون خط یک کمربند - یک راه از همین کشور می گذرد و به افغانستان می رسد. این راه تنها یکی از مواردی است که یک ظرفیت کلان اقتصادی برای ترکمنستان بخشیده است.

ترکمنستان در سال های اخیر روابط محکمی با دولت افغانستان برقرار کرده، ولی در گذشته با طالبان نیز تعامل داشته است تا حمایت این گروه را از پروژه هایش در این کشور جلب کند. در بیانیه ای منتسب به طالبان که در پایگاه اینترنتی وزارت امور خارجه ترکمنستان منتشر شده، آمده است که این گروه "حمایت کامل خود را از اجرای ... طرح های زیرساختی با هدف تامین رفاه و شکوفایی مردم افغانستان ابراز" کرده است. در گذشته گروه طالبان اعلام کرده بود که یک هیات این





گروه به رهبری ملابرادر معاون طالبان برای دیدار با مقام‌های ترکمنستانی به عشق‌آباد رفته است. در هفته‌های اخیر با تشدید فعالیت گروه طالبان و افزایش حملات این گروه به مناطق مرزی افغانستان با کشورهای همسایه، مرز ترکمنستان با این کشور نیز ناامن شده است. برخی رسانه‌ها روز ۲۰ جولای (۲۹ تیر ماه) از کشته شدن ۱۸ سرباز ترکمنستانی در منطقه مرزی این کشور با افغانستان خبر دادند. بر اساس اطلاعات رسانه‌های روسیه، ترکمنستان یکی از مجراهای قاچاق مواد مخدر افغانستان به روسیه و اروپا به شمار می‌رود. از این رو، نگرانی‌های مرزی ترکمنستان از مرزهای مشترکش با افغانستان بیشتر در مورد قاچاق مواد مخدر می‌باشد. علاوه بر این، بحث تاثیرپذیری جریانهای اسلامگرا از گروههای افراطی نیز می‌تواند یکی از نگرانی‌های آینده ترکمنستان از گسترش حضور طالبان در افغانستان باشد. با این حال به نظر می‌رسد با توجه به تعاملات و ارتباطاتی که بین دولت ترکمنستان و گروه طالبان در گذشته بوده و طالبان نیز در موضع گیری‌های خود تلاش کرده تا اطمینان لازم را به طرف ترکمنستانی بدهد، و از طرفی اینکه این کشورها تحت حمایت روسیه قرار دارند لذا به نظر می‌رسد، حضور طالبان در افغانستان و نزدیکی مرزهای ترکمنستان چالش اساسی برای ترکمنستان ایجاد نخواهد کرد.

نتیجه‌گیری

دو کشور تاجیکستان و ترکمنستان به عنوان دو همسایه افغانستان، نگرانی‌هایی در خصوص گسترش سلطه طالبان بر جغرافیای افغانستان و حضور آنها در مرز بین دو کشور دارند. این نگرانیها عمدتاً شامل قاچاق مواد مخدر از افغانستان به این کشورها و تاثیرپذیری برخی از جریان‌های اسلامگرا در این کشورها از گروههای افراطی در شمال افغانستان و در مرز بین این کشورهاست. با این حال طالبان تلاش کرده در موضع گیری‌ها و بیانیه‌های خود اطمینان لازم را از تامین امنیت مرزها با افغانستان با این کشورها بدهد. از سوی دیگر نشانه‌های اساسی از موضع گیری تند طالبان علیه این دو کشور موجود نیست و این می‌تواند نگرانی‌های کشور ترکمنستان و تاجیکستان را از حضور طالبان در افغانستان کاهش دهد. همچنین به لحاظ انرژی و ترانزیت این سه کشور در تعامل با یکدیگر بوده و افغانستان نیازمند استفاده از انرژی برق و گاز این کشورهاست. بنابراین طالبان نیز به عنوان گروهی که در آینده خود را مسول دولت و حکمران اصلی در افغانستان می‌داند، توجه لازم را به این وابستگی و نیاز افغانستان به این کشورها دارد. نکته دیگر اینکه روسیه نیز به عنوان قدرت اصلی در این منطقه و حامی اصلی این کشورها، اجازه ایجاد چالش اساسی برای ترکمنستان و تاجیکستان از سوی طالبان را نخواهد داد. بنابراین حضور طالبان در افغانستان نمی‌تواند چالش اساسی برای این کشورها بوجود بیاورد.



ریشه‌های نا آرامی‌های کوبا و نقش ایالات متحده آمریکا در آن



رویداد

هزاران نفر از مردم کوبا روز یکشنبه ۲۰ تیر ۱۱/۱۴۰۰ جولای ۲۰۲۱ در اعتراض به کند بودن روند واکسیناسیون کرونا و آنچه که بی‌توجهی دولت می‌نامیدند، به خیابان‌های هاوانا، پایتخت و دیگر شهرهای این کشور آمدند و خواستار کناره‌گیری میگل دیاز کانل برمودز، رئیس‌جمهور شدند. این اعتراضات از شهر سن آنتونیو دولوس بانوس در استان آرته‌میسا در جوار هاوانا آغاز شد و سپس به هاوانا پایتخت گسترش یافت و تظاهرات کنندگان نسبت به کمبود کالاهای اساسی، برق، ممنوعیت ورود مواد غذایی و دارویی و محدودیت‌های آزادی‌های مدنی در کوبا اعتراض کردند.

این تظاهرات در کوبا که توسط مخالفین دولت این کشور از سال ۱۹۹۴ بی‌سابقه گزارش شده، ابتدا در اعتراض به روند کند واکسیناسیون انجام گرفت؛ اما در ادامه رنگ و بوی سیاسی و براندازانه به خود گرفت. رئیس‌جمهور کوبا در سخنانی چهار ساعته که از تلویزیون این کشور پخش شد، این تظاهرات را تظاهراتی دانست که توسط «ضد انقلاب و مافیای کوبایی - آمریکایی» سازماندهی و هدایت می‌شود و به شدت آن را محکوم و دولت آمریکا را به سازماندهی ناآرامی‌ها در کوبا متهم کرد. او همچنین گفت اعتراض‌های مردمی، واقعی بوده و ما قصورمان را می‌پذیریم. اما مزدوران آمریکایی با موج‌سواری و بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی از اعتراض‌های به حق مردم سوء استفاده کرده و آن را به اعتراضی سیاسی و براندازانه تبدیل کردند.

این در حالی است که جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا روز دوشنبه ۲۱ تیر ۱۲/۱۴۰۰ جولای ۲۰۲۱، بدون اشاره به تحریم‌های یکجانبه و غیرقانونی واشنگتن علیه مردم کوبا، در اظهاراتی مداخله‌جویانه از ناآرامی‌ها در این کشور حمایت کرد و مدعی شد، آمریکا به دلیل رنج اقتصادی تحمیل شده از سوی دولت هاوانا، در کنار مردم کوبا است. رئیس‌جمهور آمریکا همچنین در بیانیه‌ای که کاخ سفید آن را منتشر کرد، مدعی شد: ما در کنار مردم کوبا و فراخوان پرتین آنها برای آزادی و خلاصی از همه‌گیری ویروس کرونا و دهه‌ها سرکوب و رنج و محنت اقتصادی هستیم که رژیم اقتدارگرای کوبا به آنها تحمیل کرده است. وی افزود: مردم کوبا شجاعانه بر حقوق اساسی و جهانی خود پافشاری می‌کنند. این حقوق شامل حق اعتراض مسالمت‌آمیز و حق تعیین



سرنوشت است که باید به آنها احترام گذاشت. بایدها اضافه کرد: ایالات متحده از رژیم کوبا می‌خواهد تا صدای مردم خود را بشنود و در این لحظه حیاتی به نیازهای مردم توجه کند.

تحلیل

از سال ۱۹۹۴ که اقتصاد کوبا زیر فشار فروپاشی شوروی و قطع ارتباطات و مساعدت‌های تجاری و مالی «کشورهای برادر»، بدترین بحران خود را تجربه کرد و موجی از نارضایتی عمومی در خیابان‌های کوبا زیر نگاه خشمگین فیدل کاسترو رقم خورد، دیگر در این سه دهه اخیر اگر اعتراض و مقاومتی به صورت علنی ابراز می‌شد، عمدتاً به گروه‌های کوچک فعالان سیاسی و فرهنگی محدود بود. اما تظاهرات و اعتراضات کم‌سابقه روز یکشنبه ۲۰ تیر، نشان داد که پس از ۳۰ سال دوباره وضعیت بد اقتصادی و معیشتی ناشی از عوامل داخلی و خصوصاً خارجی از جمله تحریم‌های سخت آمریکا و اثرات مهلک و مخرب کرونا، فشار زیادی بر جامعه وارد کرده است. افزون بر این شرایط، وجود شبکه‌های مجازی و ارتباطی اینترنتی به عنوان اهرم افزایش فشار، هماهنگی و سازماندهی اعتراضات از بیرون مرزهای این کشور نیز در گسترش تظاهرات، اثر بسیاری داشتند که مردم را به نافرمانی مدنی تشویق می‌کردند. در همین ارتباط، روزنامه گرانما، ارگان حزب کمونیست کوبا نوشت: «مشکلات و تنش‌ها در خیابان‌های کوبا از ناممکنات ناشی می‌شوند که تحریم‌های ۶۰ ساله آمریکا ایجاد کرده‌اند؛ از ناممکن بودن تجارت با جهان، نه برای خرید اسلحه که برای خرید مایحتاجی مانند سوخت، مواد غذایی، دارو و...».

استدلال مخالفان تدوام تحریم‌ها این است که کوبا بیش از آن ضعیف و مسئله‌دار و بیش از آن ایدئولوژی انقلابی‌اش بی‌رونق شده که برای کشوری و منطقه‌ای خطر ایجاد کند و اگر این کشور زمانی برای حمایت از نیروهای انقلابی سلاح، سرباز، مربی انقلابی، مدرس و مبلغ ایدئولوژی به این سو و آن سوی دنیا می‌فرستاد، اکنون آموزگار، پزشک و کادر درمانی به کشورهای دیگر اعزام می‌کند تا هم خدمت انسان‌دوستانه انجام دهد و هم ارز به دست آورده را صرف وضعیت بد اقتصادی‌اش کند. چرخش بی‌سابقه او‌باما در سفر به هاوانا در سال ۲۰۱۶ (اواخر دوره ریاست جمهوری) و برقراری مناسبات سیاسی و دیپلماتیک با کوبا و برداشتن برخی تحریم‌ها پس از شش دهه همجواری مناقشه برانگیز، در همین زمینه ارزیابی می‌شود. اما کمتر از یک سال پس از این و با به قدرت رسیدن دونالد ترامپ جمهوریخواه، تحریم‌های کوبا افزایش یافت و این کشور را با بحران‌های بیشتری مواجه کرد. در این ارتباط می‌توان مشکلات کوبا را در موارد زیر خلاصه نمود:

الف) بحران جهانی ویروس کرونا: اگرچه کوبا در سال ۲۰۲۰ توانست همه‌گیری کرونا را کنترل کند، اما موج کرونایی جدید جهش یافته، طی چند هفته گذشته آمار ابتلا در این کشور را افزایش داد و دلیل



اعتراضات روز یکشنبه ۲۰ تیر ۱۴۰۰ این کشور نیز همین عامل اعلام شد^۱.

(ب) وضعیت اقتصادی: همزمان با همه‌گیری ویروس کرونا، صنعت گردشگری کوبا - که یکی از موتورهای اقتصادی این کشور محسوب می‌شود - عملاً از کار افتاد و این مساله تأثیری عمیق بر زندگی اقتصادی و اجتماعی در این کشور گذاشت. از سوی دیگر افزایش تورم، قطع گسترده برق و کمبود غذا، دارو و محصولات اولیه هم به وخامت اوضاع این کشور افزود^۲.

(پ) دسترسی به اینترنت: تا پیش از اعتراضات یکشنبه، اعتراضات اوت ۱۹۹۴ در بلوار ساحلی مالکون هاوانا بزرگ‌ترین تظاهرات ضد دولتی از زمان انقلاب کمونیستی کوبا به رهبری فیدل کاسترو به حساب می‌آمد. آن زمان بسیاری از مردم کوبا از آنچه در پایتخت کشور رخ داده بود، اطلاعی نداشتند. امروزه بخش بزرگی از جمعیت کشور، به ویژه جوانان به فیس‌بوک، توئیتر و اینستاگرام دسترسی دارند و این شبکه‌های اجتماعی منابع اطلاعاتی اصلی آن‌ها به حساب می‌آیند^۳.

اگرچه کرونا و وضعیت بد اقتصادی کوبا از جمله عوامل بروز ناآرامی‌های کوبا بود، اما عامل سوم که دسترسی به اینترنت است، عامل اساسی در شکل‌دهی و سازماندهی تظاهرات از بیرون مرزهای این کشور و سیاه‌نمایی تمامی خدماتی بود که دولت کوبا طی بیش از ۵ دهه تحریم و فشارهای آمریکا به مردم کشورش ارائه داده بود.

در همین ارتباط، برونو رودریگز، وزیر خارجه کوبا روز سه‌شنبه ۲۲ تیر ۱۴۰۰ در یک نشست خبری گفت که آمریکا به صورت مستقیم در ناآرامی‌ها و آشوب‌های کوبا دخالت دارد. رودریگز افزود: من دولت آمریکا را متهم می‌کنم به اینکه در حوادث ۱۱ جولای دست دارد و مسئول بزرگ ایجاد ناآرامی‌های کشور است. وی گفت: در حوادث ۱۱ جولای کسانی که از خارج حمایت مالی می‌شوند و دستور می‌گیرند، کسانی که با خودروهای دیپلماتیک سفر و با دیپلمات‌های آمریکایی دیدار می‌کنند، کسانی که همیشه به نهادها و مراکز دیپلماتیک مراجعه می‌کنند و علیه قانون اساسی کوبا اقدامات تحریک‌آمیز انجام می‌دهند، همان‌هایی بودند که تظاهرات را سازماندهی و حمایت کردند.

۱. یک هفته پیش از این دولت اعلام کرده بود ۶۷۵۰ نفر در کوبا به کووید-۱۹ مبتلا شده و ۳۱ نفر هم بر اثر آن جان خود را از دست دادند. اما بسیاری از گروه‌های مخالف دولت با پروپاگانداي شدید گفتند، آمار واقعی احتمالاً بسیار بالاتر از این میزان است و مردم را علیه نظام سلامت کشور و دولت شورا کردند.

۲. دولت کوبا در ابتدای سال جاری میلادی یک برنامه جدید اصلاحات اقتصادی را مطرح کرد که همزمان با بالا بردن دستمزدها، افزایش شدید قیمت‌ها را به دنبال داشت. کارشناسان اقتصادی از جمله پاول ویدال از دانشگاه پونتیفیکا خاورینا در شهر کالی کلمبیا تخمین می‌زنند که طی چند ماه آینده قیمت‌ها بین ۵۰۰ تا ۹۰۰ درصد افزایش بیابند. تبلیغات مخالفان و به رخ کشیدن وضعیت ونزوئلا نیز موجب شده است تا مردم این کشور نگران تجربه ونزوئلایی باشند.

۳. در تظاهرات یکشنبه، گروه‌های مخالف دولت از این شبکه‌های اجتماعی برای سازماندهی اعتراضات استفاده می‌کردند. در واقع شبکه‌های اجتماعی که اخبار مربوط به اعتراضات اخیر کوبا را پوشش می‌دادند تا حد زیادی در سازماندهی این رویداد نقش داشتند.





فرانسیس سوارز، شهردار کوبایی تبار جمهوریخواه میامی آمریکا، طی سخنانی خواستار بررسی گزینه حمله هوایی آمریکا به کوبا در پی شکل‌گیری تشنجات داخلی در این کشور شد. وی گفت آنچه باید اکنون مورد بررسی قرار داد، تشکیل یک ائتلاف برای اقدام نظامی احتمالی علیه کوبا است. این گزینه باید مورد بررسی قرار گیرد و نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

اگرچه مخالفان خارج‌نشین دولت کوبا، ایالات متحده و برخی متحدان آن کشور مانند شیلی و پرو از مواضع دولت کوبا انتقاد کردند، اما کشورهای چین، روسیه، مکزیک، ونزوئلا، جمهوری اسلامی ایران و بسیاری دیگر از کشورهای جهان از تحریم‌های اعمال شده بر کوبا که مردم این کشور را به زحمت انداخته انتقاد کرده و خواستار برداشته شدن آنها شدند؛ تا مردم کوبا نیز مانند دیگر ملت‌های جهان زندگی بهتری داشته باشند^۱.

نتیجه‌گیری

نظام کمونیستی و آموزه‌های آن سال‌ها است که شکست خورده و منقرض شده است. دولت‌هایی هم که همچنان بر اساس آن تئوری می‌خواهند ادامه مسیر داده و رشد کنند نیز باید این سیاست را ناموفق بدانند و نسبت به ایجاد تغییر اقدام کنند. با وجود این، آموزه‌های لیبرالیستی راه پیشرفت نیست. زیرا کشورهای عقب‌نگهداشته شده مانند کوبا که تحت تحریم و محاصره بوده‌اند، با در پیش گرفتن سیاست‌های لیبرالیستی، به سرعت دچار فروپاشی خواهند شد.

ایالات متحده بیش از نیم قرن است که تلاش نموده تا دولت کمونیستی کوبا را با انواع دسایس سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی و امنیتی از قبیل کودتا، ترور و... از پا در آورد؛ اما موفق نشده است. بر این پایه از دوره اوباما تلاش نمود تا با از سرگیری روابط، بتواند در این کشور نفوذ کرده و هدف خود را عملی سازد. تظاهرات و اعتراضات یکشنبه ۲۰ تیر ۱۴۰۰ در کوبا را می‌توان نسخه‌ای از انقلاب‌های رنگی علیه دولتی مستقل و موفق به شمار آورد. کوبا اگرچه کشوری فقیر و عقب‌نگهداشته شده است، اما توانسته با خوداتکایی، موفق به ساخت واکسن‌های ضد کرونا شود که با وجود تحریم، نشان از رشد علمی دارد. تلاش ایالات متحده در راستای سرنگونی حکومت کمونیستی این کشور به عنوان ستون معنوی کشورهای چپ‌گرا در منطقه آمریکای لاتین و تسلط مجدد بر این منطقه سرشار از ثروت است.



۱. در تاریخ ۱ تیر ۲۲/۱۴۰۰ ژوئن ۲۰۲۱، از مجموع ۱۸۹ رأی، ۱۸۴ کشور به مصوبه مجمع عمومی سازمان ملل در صورت لغو تحریم‌ها علیه کوبا رأی دادند. دو رأی مخالف از آن آمریکا و اسرائیل بود و سه کشور، یعنی کلمبیا و برزیل و اوکراین رأی ممتنع دادند.

چشم‌انداز بهبود روابط مصر با قطر و ترکیه



رویداد

اخیرا تحرکات دیپلماتیک مصر در قبال بعضی کشورهای غرب آسیا افزایش یافته و گویا این کشور در صدد بهبود روابط با برخی بازیگران کلیدی در این منطقه است. قطر و ترکیه دو کشوری هستند که در کانون دیپلماسی فعال مصر قرار گرفته‌اند. مواضع قاهره نسبت به این دو بازیگر، گویای تغییراتی در روابط دیپلماتیک مصر با آنهاست؛ در حالی که مصر پیش از این، چندان روی خوشی به این دو کشور نشان نمی‌داد. با توجه به این چرخش دیپلماتیک، مقاله پیش رو در صدد پاسخ به این پرسش‌هاست که چه نشانه‌هایی مبین بهبود روابط مصر با ترکیه و قطر است؟ چه چشم‌اندازی می‌توان برای این روابط توصیف کرد؟

تحلیل رویداد

۱. روابط مصر و ترکیه: با گذشت ۸ سال، تحولاتی در روابط مصر و ترکیه رخ داده که بیانگر تمایل مقامات دو کشور برای کاهش سطح اختلافات و گام نهادن در مسیر آشتی و مناسبات دوستانه است؛ چنان که رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، اردیبهشت ۱۴۰۰ اعلام کرد روند جدیدی در روابط مصر و ترکیه آغاز شده و پس از شروع گفت‌وگو میان دستگاه‌های اطلاعاتی دو طرف، وزارتخانه‌های امور خارجه با هم رایزنی خواهند کرد. همچنین به نشانه تلاش برای عادی‌سازی روابط میان ترکیه و مصر، یک هیئت ترکیه‌ای به ریاست سادات اونال، معاون وزیر امور خارجه ترکیه، در اردیبهشت ۱۴۰۰ عازم قاهره شد. به علاوه مولود چاوش اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه، با تأکید بر این موضوع که گفت‌وگوهای قاهره در «فضایی مثبت» انجام گرفته است، از آمادگی برای دیدار با سامح شکری، همتای مصری خود، به منظور پیشبرد روند عادی‌سازی روابط خبر داد. چاوش اوغلو در عین حال تأکید کرد که بیشتر در حاشیه نشست‌های بین‌المللی، با سامح شکری دیدارهایی داشته است.

با این حال، مصر برای برقراری روابط با ترکیه شروطی تعیین کرده است. یکی از شروط قاهره، تعلیق فعالیت گروه اخوان المسلمین مصر در ترکیه و اخراج آن گروه از این کشور بود که این مهم تقریباً



انجام شده است. از این منظر، دولت آنکارا تصمیم به تعلیق فعالیت‌های رسانه‌ای اخوان المسلمین در ترکیه گرفت و این گروه نیز دفتر خود را در این کشور منحل و اقدام به انتقال اعضا و فعالیت خود به کشور دیگری کرد. همچنین چند ماه پیش، مقام‌های ترکیه دستورالعمل توقف برنامه‌های سیاسی شبکه‌های منتسب به اخوان المسلمین مانند «الوطن»، «الشرق» و «مکملین» را صادر کردند. این شبکه‌ها برنامه‌های خود علیه دولت عبدالفتاح السیسی را از استانبول به روی آنتن می‌بردند.^۱

سامع شکری هم با استقبال از تحولات اخیر در روابط مصر و ترکیه اعلام کرد که تصمیم آنکارا در ممنوع کردن دسترسی عناصر اخوان المسلمین به شبکه‌های اجتماعی، گام مثبتی است و تصمیم ترکیه درباره اخوان، همسو با قوانین بین‌المللی است و اگر این سیاست ادامه پیدا کند، بدون شک باعث عادی‌سازی روابط دو کشور خواهد شد. با این حال، شکری تصریح کرد که هیچ تاریخ مشخصی برای از سرگیری روابط مجدد میان مصر و ترکیه مشخص نشده است و قاهره انتظار دارد روابط دو طرف براساس اصول حاکم بر روابط بین‌الملل، از جمله عدم مداخله در امور داخلی و همزیستی مسالمت‌آمیز باشد.^۲

اما درباره موضوع دوم، اختلاف نظر مصر و ترکیه همچنان پابرجاست، زیرا قاهره خواستار خروج نیروهای ترکیه از لیبی است؛ حال آنکه آنکارا بعد از صرف هزینه‌های گزاف در لیبی، چندان تمایلی ندارد این میدان را برای رقبا خالی کند و سیاست خود را در این کشور تغییر دهد.

روابط مصر و ترکیه زمانی به تیرگی گرایید که پس از کودتای عبدالفتاح سیسی علیه دولت محمد مرسی و عزل او از قدرت و همچنین صدور احکام اعدام و حبس‌های طولانی مدت برای اعضای ارشد سازمان اخوان المسلمین در سال ۱۳۹۲ (۲۰۱۳)، آنکارا به شدت با این اقدامات مخالفت کرد. در پی این موضع ترکیه، مصر سفیر ترکیه را اخراج کرد و حضور دیپلمات‌های این کشور را به کاردار تنزل داد. ترکیه هم با اتخاذ اقدامات مشابه، آتش اختلاف میان دو طرف را شعله‌ور کرد. از آن زمان تاکنون، هیچ دیدار سیاسی میان مقامات ترکیه و مصر انجام نشده است.

۲. روابط مصر و قطر: در جبهه دیگر، مصر در مسیر تقویت مناسبات خود با قطر گام بر می‌دارد. مهم‌ترین نشانه بهبود روابط میان دو طرف، انتصاب «عمرو کمال الدین بری الشربینی» به‌عنوان سفیر فوق‌العاده مصر در قطر است. در واقع پس از نشست‌های چندجانبه میان دو کشور و تغییر لحن مقامات دوحه نسبت به قاهره، مصر تصمیم گرفت با انتصاب سفیر فوق‌العاده در قطر، مسیر آشتی و تقویت مناسبات با این کشور را پیش بگیرد. در همین چارچوب، باید به سخنان محمد بن



۱. خبرگزاری آنا، «معامله ترکیه و مصر بر سر اخوان المسلمین»، ۱۴۰۰/۴/۱۵، موجود در:

<https://www.ana.press/news/592880/>

۲. الخلیج الحدید، «مصر: المباحثات مع ترکیا متوقفة ولا موعد محدد لاستئنافها»، ۲۰۲۱/۷/۱۹، موجود در:

<https://thenewkhalij.co/article/235050/>



عبدالرحمن آل ثانی، وزیر امور خارجه قطر، اشاره کرد که گفت: «مصر کشور بزرگی است و در پرونده‌های منطقه‌ای نقشی تعیین‌کننده بر عهده دارد. دوحه نیز از این جایگاه حمایت می‌کند. این موضوع باعث هماهنگی و نزدیکی روابط دو کشور در پرونده‌های مختلف است.» وزیر خارجه قطر همچنین مسئله فلسطین را بهترین نمونه برای همکاری قطر و مصر بیان کرد.

به‌علاوه، سفر وزیران خارجه مصر و قطر به دوحه و قاهره در خرداد ۱۴۰۰، مبین نشانه‌های آشکاری از تمایل دو طرف به بهبود روابط است؛ چنان‌که سامح شكري، وزیر خارجه مصر در سفر به دوحه، ضمن دیدار با تمیم بن حمد آل ثانی، امیر قطر، اعلام کرد که حامل پیامی مهم از جانب عبدالفتاح سیسی است. شكري همچنین تأکید کرد این دیدار حاکی از اراده سیاسی قوی قطر برای احیای روابط دوجانبه است. وزیر خارجه مصر در این دیدار، از امیر قطر برای سفر به قاهره دعوت کرد. در واقعه‌ای مشابه، محمد بن عبدالرحمن آل ثانی، وزیر خارجه قطر که ۴ خرداد ۱۴۰۰ به قاهره سفر کرده بود، نامه امیر قطر را به السیسی تحویل داد. تمیم بن حمد آل ثانی در آن نامه از رئیس‌جمهور مصر خواسته بود به قطر سفر کند. گرچه بعد از کودتای سیسی علیه دولت مرسى و اخوان‌المسلمین، روابط قطر و مصر به سردی گرایید، اما در ۱۵ خرداد ۱۳۹۶ (۵ ژوئن ۲۰۱۷) مصر در همراهی با عربستان، امارات و بحرین و به بهانه مبارزه با تروریسم، روابط خود را با قطر قطع کرد تا این کشور در محاصره کامل سیاسی و اقلیمی قرار بگیرد. تمایل برای احیای روابط مصر و قطر هم، پس از حضور مقامات دو کشور در چهل و یکمین نشست شورای همکاری خلیج فارس در شهر العلامی عربستان در ۱۶ دی ۱۳۹۹ (۵ ژانویه ۲۰۲۱) ایجاد شد و مقامات دو طرف برای ازسرگیری روابط دوجانبه به توافق رسیدند.

نتیجه‌گیری

بررسی روابط مصر با قطر و ترکیه بیانگر آن است که موضع قاهره در مقابل دو کشور تا حدی متفاوت است؛ به این معنا که مصر روابط رسمی خود را با قطر ازسر گرفته، سفیرش را در دوحه تعیین کرده و وزیران خارجه دو کشور، در راستای تقویت روابط، به قاهره و دوحه سفر کرده‌اند. بنابراین، قطر و مصر با گام‌هایی استوار به سوی تنش‌زدایی و بهبود مناسبات گام بر می‌دارند. اما ماجرای روابط مصر با ترکیه از جنسی دگر است و با وجود تمایل مقامات دو کشور، به‌خصوص ترکیه برای تقویت روابط، موانعی چند در این راه وجود دارد؛ زیرا مصر هنوز از مواضع ترکیه در قبال دولت سیسی ناخشنود است، خواستار عدم مداخله آنکارا در امور داخلی خویش است و مهم‌تر آنکه درباره خروج نیروهای ترکیه از لیبی موضعی صریح دارد؛ حال آنکه ترکیه به‌صراحت بر حضور در لیبی تأکید کرده است. تا زمانی که این موانع وجود داشته باشد، باید درباره بهبود و تقویت روابط مصر و ترکیه با احتیاط سخن گفت.

